



## آنچه در مورد «ایفای ناروا» و مصادیق آن باید بدانید

ایفای ناروا مرکب از دو واژه «ایفا» و «ناروا» است. ایفا در لغت مصدر باب «افعال» به معنای وفا کردن و حق کسی را تمام و کمال دادن آمده است.

ایفای ناروا مرکب از دو واژه «ایفا» و «ناروا» است. ایفا در لغت مصدر باب «افعال» به معنای وفا کردن و حق کسی را تمام و کمال دادن آمده است. ناروا نیز به معنای بدون حق و سبب قانونی بودن است. هرگاه شخصی بدون وجود حق و سبب قانونی مالی به دیگری بپردازد؛ این پرداخت، ایفای ناروا است. در مقابل ایفا به «زنج می» طور صحیح در جایی معنا پیدا می‌کند که دینی وجود داشته باشد و شخصی به دیگری مدیون باشد و اقدام به پرداخت دینش بنماید.

به گزارش «تابناک» ایفای ناروا در صورتی محقق می‌شود که سه شرط در پرداخت وجود داشته باشد.

### 1) تسلیم مال به عنوان ایفا باشد

بنابراین در صورت تسلط شخص بر مالی که دیگری به عنوان وفای به عهد به او پرداخته است، ایفای ناروا محقق می‌شود. بنابراین تسلیم مال باید تحت عنوان وفای به عهد باشد و در صورتی که شخصی مال را به عنوان قرض یا امانت به دیگری بدهد، نمی‌تواند استرداد آن مال را تحت عنوان ایفای ناروا پس بگیرد.

### 2) ناروایی پرداخت

ایفای ناروا در صورتی محقق می‌شود که دهنده «زنج می» مال مدیون گیرنده «زنج می» مال نباشد؛ در این صورت ایفا، ناروا خواهد بود. بنابراین چنان «زنج می» چه دهنده «زنج می» مال مدیون گیرنده نباشد، ادای دین به او ناروا خواهد بود. البته در مواردی ممکن است دینی وجود داشته باشد اما به دلیلی از بین رفته باشد. در صورتی که پرداخت دین پس از اسقاط آن، صورت بگیرد؛ ایفای صورت گرفته ناروا محسوب می‌گردد. مثل موردی که شخص ثالثی دین مدیون را «زنج می» بپردازد و مدیون بدون اطلاع از پرداخته شدن دینش، دوباره آن را «زنج می» بپردازد.

هم «زنج می» چنان اگر دهنده «زنج می» مال مدیون باشد اما موعد پرداخت دینش نرسیده باشد و او اشتباهاً زودتر از موعد دینش را ادا کند؛ نمی‌تواند تحت عنوان ایفای ناروا مال پرداخت شده را مسترد نماید.

علاوه بر این چنان «زنج می» چه مدیون بیش از مقدار بدهی «زنج می» اش به طلبکار بپردازد، نسبت به میزان اضافه، ایفا ناروا است و پرداخت «زنج می» کننده (مدیون) نمی‌تواند آن را پس بگیرد.

### 3) اشتباه، اکراه و تدلیس در پرداخت

نکته «زنج می» ای که باید به آن توجه داشت این است که اشتباه پرداخت «زنج می» کننده شرط تحقق ایفای ناروا نیست اما از آن «زنج می» جا که مطابق ماده «زنج می» 265 قانون مدنی هر پرداختی نشان «زنج می» دهنده «زنج می» وجود دین است؛ دهنده «زنج می» مال برای استرداد مال باید عدم وجود دین را ثابت نماید. بنابراین چون ایفای ناروا معمولاً بر اثر اشتباه دهنده «زنج می» مال رخ می‌دهد؛ گیرنده باید اشتباه خود در پرداخت را ثابت نماید تا عدم وجود دین معلوم شود زیرا وجود اشتباه در پرداخت نشان «زنج می» دهنده «زنج می» ای این است که دهنده «زنج می» مال قصد پرداخت «زنج می» دین خود یا دین شخص دیگر را نداشته است و در صورتی که با اثبات اکراه و تدلیس، عدم وجود دین معلوم شود، باز هم ناروا بودن ایفا معلوم می‌گردد.

بنابراین علاوه بر اشتباه، اکراه و تدلیس نیز موجب می‌شود برای دهنده «زنج می» مال حق استرداد مال ایجاد شود. پس در صورتی که پرداخت «زنج می» کننده، مال در نتیجه «زنج می» اکراه یا فریب و حيله «زنج می» دیگری به او پرداخت نماید، نمی‌تواند چیزی را که داده است، تحت عنوان ایفای ناروا پس بگیرد.

ایفای ناروا در سه مورد مصداق دارد.

#### الف) پرداخت دین به غیر داین

در صورتی که مدیون به اشتباه، دین خود را به شخصی غیر از طلبکار بپردازد ایفای ناروا محقق می‌گردد. گیرنده؛ مال نیز ملزم به استرداد مال به مالک آن می‌گردد. مثلاً ممکن است مدیون اشتبهاً پول را به حساب شخص دیگری غیر از طلبکار واریز نماید. در این صورت؛ می‌تواند آن پول را پس بگیرد چون پرداخت به ناروا صورت گرفته است. برابر ماده؛ 301 ق.م

کسی؛ که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند.

#### ب) پرداخت دین از سوی شخصی غیر از مدیون

چه شخصی اشتبهاً خود را مدیون بداند و ادای دین بنماید، می‌تواند آن؛ چه را پرداخت نموده از گیرنده؛ مال پس بگیرد. (ماده؛ 302 ق.م) البته در صورتی که شخص غیر مدیون با آگاهی از مدیون نبودن خود، دین شخص دیگری را بپردازد؛ حق پس گرفتن مالی را که داده است ندارد. (ماده؛ 267 ق.م

#### ج) پرداخت بدون وجود دین

در صورتی که شخصی بدون این؛ که مدیون باشد و از روی اشتباه مالی را به دیگری بدهد؛ پرداختش ناروا محسوب می‌گردد و دهنده؛ مال می‌تواند آن مال را پس بگیرد. مثل این؛ که شخص می‌خواهد به حساب فرزندش که در شهری دیگر درس می‌خواند، مبلغی پول بریزد که اشتبهاً پول را به حساب شخص دیگری می‌ریزد.

#### اثبات ناروا بودن ایفا

به موجب بخش دوم ماده؛ 265 ق.م دهنده؛ مال می‌تواند مالش را از گیرنده پس بگیرد. ماده؛ 265 ق.م در این باره می‌گوید:

هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون این؛ که مقروض آن چیز باشد می‌تواند استرداد کند.

بنابراین چنانچه شخصی تصور کند به دیگری بدهکار است و بابت بدهی؛ اش مالی به او بدهد، گیرنده؛ مال نمی‌تواند به ناروا آن را تصاحب نماید و باید آن را به دهنده؛ مال پس بدهد. برای استرداد چنین مالی لازم است دهنده؛ مال ناروا بودن پرداخت را اثبات نماید

در صورتی که گیرنده؛ مال مدعی بخشیدن مال شود، باید آن را اثبات نماید زیرا به موجب بخش نخست این ماده کسی که مدعی بخشش مال است باید این امر را اثبات نماید. هم؛ چنین در صورتی که دریافت؛ کننده، مال پرداخت؛ شده را تأدیبه؛ دین از سوی مدیون بداند، در این صورت؛ پرداخت؛ کننده باید ثابت نماید که پرداخت ناروا بوده است. مطابق رویه؛ دادگاهها نیز پرداخت؛ کننده باید عدم استحقاق گیرنده را ثابت نماید

#### الزام؛ های ناشی از ایفای ناروا

در صورتی که ایفای ناروا صورت بگیرد، گیرنده؛ و دهنده؛ مال ملزم به انجام اموری هستند که در زیر به

آن و الزام‌ها اشاره می‌کند؛ شود.

الزام‌های گیرنده

پس از آن و که شخصی به و ناروا مالی را از دیگری گرفت، دو الزام برایش بوجود می‌آید.

الف) الزام به استرداد مال

پس از تحقق ایفای ناروا و تسلط شخص بر مالی که استحقاق آن را ندارد، گیرنده و ی مال به موجب ماده و ی 301 ق.م.م لزوم به برگرداندن مال به مالک آن مال است.

در صورتی که مال پرداخت شده مقدراری پول باشد، گیرنده و ی مال ملزم است همان مقدراری که دریافت نموده پس بدهد. در صورتی که آن و چه پرداخت شده مالی غیر از پول باشد، گیرنده و ی مال ملزم است همان مال را مسترد نماید؛ چه آن مال، مال قیمی باشد چه مال مثلی. در صورتی که آن مال از بین رفته باشد، گیرنده باید مثل آن مال را در صورت مثلی بودن و یا قیمت آن را در صورت قیمی بودن مال بپردازد. در مورد این الزام هیچ تفاوتی ندارد که گیرنده و ی مال با آگاهی از عدم استحقاق خود، مال را دریافت نموده باشد و یا ناآگاه باشد و به اشتباه مال را بگیرد زیرا آن و چه در این موارد اهمیت دارد برگرداندن مال به مالکش است. (ماده و ی 303 ق.م.)

ب) الزام به جبران منافع مال

گیرنده و ی مال علاوه بر این و که باید خود مال را پس بدهد، ملزم به جبران منافع مال نیز می‌باشد زیرا در مدتی که او مال را بدون استحقاق در اختیار داشته، مالک از منافع آن مال محروم شده است. مثلاً در صورتی که شخصی به تصور این و که به دیگری بدهکار است ماشین خود را به او بدهد؛ پس از آگاهی از این و که اصلاً به آن شخص بدهکار نبوده است، می‌تواند علاوه بر استرداد ماشین، منافع ماشین را در مدتی و که در اختیار دیگری بوده، مطالبه نماید حتی اگر او در آن مدت از منافع ماشین استفاده ننموده باشد زیرا مهم محروم ماندن مالک از منافع ماشین خود است.

باید توجه داشت که مبنای الزام گیرنده و ی مال به استرداد اصل مال و عوض منافع آن، تسلطی است که او بدون وجود حق بر مال دیگری پیدا کرده است. (ماده و ی 303 ق.م.) بنابراین آن و چه موجب مسئول بودن گیرنده و ی مال است، استفاده از منافع مال نیست بلکه به و دلیل تسلط نامشروع او بر آن مال می‌باشد.

در مورد مسئولیت گیرنده و ی مال نسبت به اصل مال و منافع آن باید دانست که حتی در صورتی که مال در نتیجه و ی حوادث قهری مانند زلزله و یا سیل از بین برود باز هم گیرنده و ی مال مسئول جبران خسارت است.

هم و چنین چنان و چه گیرنده و ی مالی که به ناروا داده شده است، آن مال را انتقال دهد (مثلاً آن را بفروشد و یا اجاره)، مالک (دهنده و ی مال) می‌تواند مال را از کسی که به او منتقل شده است پس بگیرد و یا به این انتقال رضایت دهد و عوض مال منتقل شده را مطالبه نماید.

الزام دهنده و ی مال

قانون بین دریافت کننده و ی با حسن و نیت و دریافت کننده و ی با سوء نیت تفاوت قائل شده است. یعنی در صورتی که گیرنده و ی مال با آگاهی از عدم استحقاق خود، مال را دریافت نماید، نمی‌تواند مخارجی را که برای نگه و داری مال متحمل شده از مالک مطالبه نماید اما در صورتی که گیرنده و ی مال به اشتباه خود را مستحق دریافت مال می‌داندسته و برای حفظ و نگه و داری آن مال هزینه و هایی کرده باشد، مالک ملزم به پس دادن این هزینه و ها به گیرنده و ی مال است. (ماده و ی 305 ق.م.)

معاملات گیرنده نسبت به مال

در صورتی که شخصی عمداً یا اشتبهاً مالی را که متعلق به او نبوده است به هر عنوانی دریافت نماید، مالک آن نخواهد

شد.

بنابراین در صورتی که گیرنده معاملاتی نسبت به مالی که به<sup>2</sup>؛طور ناروا به او پرداخت شده انجام دهد؛ معاملات او فضولی خواهد بود. یعنی مالک (دهنده<sup>3</sup>؛ مال) می<sup>4</sup>؛تواند چنین معامله<sup>5</sup>؛ای را رد نموده و مال خود را پس بگیرد. هم<sup>6</sup>؛ چنین مالک می<sup>7</sup>؛تواند معامله<sup>8</sup>؛ی فضولی را قبول نموده و عوض مال خود را بگیرد. آگاهی و یا عدم آگاهی گیرنده به عدم استحقاق خود تأثیری در فضولی بودن معامله ندارد و معامله در هر حال فضولی محسوب می<sup>9</sup>؛شود زیرا گیرنده نسبت به مال شخص دیگری (دهنده<sup>10</sup>؛ مال) معامله نموده است. البته در صورتی که گیرنده<sup>11</sup>؛ مال با آگاهی از عدم استحقاق خود، مال را بفروشد باز هم معامله فضولی است و ماده<sup>12</sup>؛ 195ق.م در این<sup>13</sup>؛ باره روشن<sup>14</sup>؛تر است. کسی<sup>15</sup>؛ که مال دیگری را در تصرف دارد، در حالی<sup>16</sup>؛ که استحقاق تصرف در این مال را ندارد، مانند غاصب ضامن خود مال و منافع آن است. (ماده<sup>17</sup>؛ 303ق.م)